



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته ښه راغلاست !

## د مولانا داکتر محمد سعيد « سعيد افغاني » ليکنه

د نشر نيټه : 22 فبروري 2017 م

# اندرزها و نصايح مولانا سعيد افغاني

- ايمان و عقیده برای حل مشکلات حیاتی بهترین و سیله است که بدسترس همگان گذاشته شده است .

- اگر به ماهیت ، جوهر و اساسات دین مبین اسلام نظر اندازیم به صراحت تمام ، در خواهیم یافت که دین اسلام نه تنها به آزادی زن موافق است ، بلکه همین دین اسلام بود که پایه و تهداب آزادی زن را ، آن طوریکه شایسته مقام زن میباشد ؛ تضمین و پایه گذاری نموده است .

- افسوس : این همه مآیوسی ؛ در چنین حالت و شرایط که همه با هم در درد و امراض اجتماعی مبتلا هستند ، کشنده و تباه کننده است ! دین ایمانی و وجدانی و ضرورت مبرم این است تا همه با هم باید در بهبود وضع و سعادت انسانی ، به قدر توان خویش دست بکار شوند .

- اگر در بین مردم تخم امیدواری و اعتماد کشت میکنید ! راه اش این است که قدرت را قانوناً بدست مردم دهید و کار ها را به مردم بسپارید .

- افسوس صد افسوس : بحال ملتی که ارزش ها در آن بی ارزش و بی ارزش در آن ارزش دارد .

- افسوس : بحال آن ملتی که روز بروز احساس و شعور ملت را از دست داده ، مغایر و مقایس های خوب و بد شان تنها و تنها در خوردن و نوشیدن و دم خوش بدون التفات به آینده و مستقبل مضمحل باشد .

- افسوس : بحال آن مریضان بی چاره ؛ که چاره آنها به مرگ و فنا خاتمه میابد و در وقت مرگ نالش خویش را به سمع عاطفه ، رسانده نمی تواند .

- افسوس : به حال آن اقوامی که تحلیل واقعی اوضاع را از دست داده از معلول به علت و از علت به علت الوییت و آخر به مبدا ، تمام کشیدگی ها و بی نظمی ها پی نمیبرد .
- اگر تفاهم با حوصله و گذشت یکجا شود و از نتیجه آن محبت و عمل خیر بدست آید ، در آن صورت به رمز « سعادت و نیکبختی » خواهند رسید.
- از همه اول باید خود را بشناسیم ، زیرا ؛ تا وقتی که خود را نشناسیم امکان ندارد که توسط خود به معرفت دیگران متوسل گردیم .
- اساس برتری و بهتری را باید در ظواهر اشیاء جستجو نه نمائید ، بلکه بهتری و برتری واقعی در تکامل معنویات و پدیده های انسانی بمشاهده میرسد .
- اندیشه های خورد و کوچک به تدبیر اندک برآورده شده میتواند ، مگر؛ برای اندیشه های بزرگ ؛ ضرورت به تدبیر بزرگ است .
- اطفال و جوانان را باید به شنیدن عادت ساخت و بعد از شنیدن باید به دقت متوجه نمود که چه باید کرد ؟
- اگر مقصد از سیاست اداره کردن بهتر و کشادن راه انکشاف باشد ، باید از تنقید اشخاص مصلح و خبره کار گرفته شود .
- اگر به مردم خویش واقعا متوجه گردیم ، بالای زخمهای شان مرحم گزاریم و آنها را با یک دیگر پیوند ساخته و حدت دهیم ، و همچنان اگر مردم را قلباً امیدوار و وادار فعالیت سازیم و از نظر مردم و به فکر مردم بالای مردم قدرتها را از خود مردم ، بمیان آریم ؛ آن وقت است که باید گفت : « مشکلی نیست که آسان نشود » !!
- در غیر از آن ، به کمال تاسف باید گفت: وضع موجوده وطن رقت انگیز است و خطر توفان تباهی با وحشت ، نزدیک همه میشود !! که در آن وقت ؛ چاره اعلاج امراض اجتماعی ، به مشکلات مواجه خواهند شد و از جانب هم کدام طبیبی واقعی یافت نخواهد شد ، که برایش بگویم : طبیب بگو مرض من چه و چاره ام چیست؟
- باید گفت : مستمع ، کرنیست ! در صورت احساس خطر خاموشی بهتر است . مگر ؛ خاموشی کشنده ، نی ! بلکه برای جستجو طریق و راه های گفتن و شنیدن بهتر و موثر است.
- باید گفت : ضعف نه تنها از آنهاست که چیزی کرده نتوانسته اند ، بلکه آنها هم ضعیف اند که با وجود شکایتها ؛ چاره اساسی کرده نمیتوانند !!
- برای جوامع مایوسی زهر قاتل است ، جوامع باید امیدوار باشند که اصلاح جوامع برای خیر و سعادت آنها است .
- بهترین تبلیغ از اعمال و کردار مبلغ و گوینده به میان آمده میتواند ، اگر مبلغ و گوینده به آنچه را که میگوید عملی نداشته باشد ، تاثیر نمیکند بلکه مضر واقع میشود و سامع را متاثر میسازد .

- بسیار باید کوشید که به رموز تاثیر گفتن آگاه باشیم ، بسیار باید متوجه باشیم که گفتن به خود و دیگران چه عواقبی دارد ، برای انسان گفتن و شنیدن هر دو لازم است و باید شنیدن از گفتن بسیار باشد تا اصلاح اش روز بروز فزونتر گردد .

- بمنظور خدمت واقعی به وطن و مردمان غیور خود ؛ حکومت باید از عناصر صالح ، توسط نماینده های واقعی مردم و از خود مردم ساخته شود .

- با شکر گذار از مزایای زندگی لذت ببرید ، بخاطر اینکه فرصت از دست رفته دوباره میسر نمیگردد .

- بهترین گنجینه برای پدر و مادر ! اولاد صالح ، عزت ، حرمت و خدمت است .

- بهترین تحفه برای زن و مرد ! تشکیل خانواده ، اعتماد متقابل ، دوستی، پاکی ، صبر، گذشت ، امانت داری و حظ و لذت از مزایای زندگی است .

- بهترین آینده برای اولاد ! محبت ، صمیمیت ، اعتماد، تعلیم و تربیت، رهنمایی سالم و کمک است .

- بهترین روش برای بزرگان و دوستان ! شفقت ، احترام ، صداقت و وفا است .

- بهترین خدمت برای وطن ! حسن تفاهم ، تعقل ، تدبیر نیک و منطقی ، استدلال حقیقی و صلح و آرامش است .

- بهترین رمز خوشبختی برای بشریت ! حسن خیر ، تعقل سالم ، تعاون، همزیستی مسالمت آمیز، سعادت و رستگاری است .

- باور دارم که اگر تشخیص درست و وسایل معالجه تهیه و فرصت مساعد گردد ، معالجه اساسی حتماً بمیان آمده میتواند . مگر ؛ فن اساسی معالجه نزد من همان است که زمینه تبادل افکار را فهمیده و وجوه مشترک مساعی را پیدا کنیم که البته این فیصله بدست رجال دانشمند و اولاد صالح وطن خواهد بود .

- تا وقتی که تشخیص درست بعمل نه آید ، علاج ممکن نیست ! اگر تشخیص صحیح هم شود ، و وسایل معالجه موجود نباشد ؛ باز هم امکان ندارد که از حملات این امراض تباه کن ، نجات یافت .

- تا وقتی که : تعبیر امیدواری و اعتماد مثبت را در بین مردم تبارز ندهیم ؛ امید بهبود اوضاع و پیشرفت مدنیت دشوار است .

- تا وقتی که : در بین مردم احساس وحدت و وطنی تقویه ، قوی و پخته تر نگردد ؛ بگمان اغلب از چنین صفوف « متفرق و بد بین » که دچار توطیه اجنبی شده اند ، برای انجام وظایف اجتماعی و ملی امیدواریها دشوار و خطا است .

- خانه و خانواده کانون سعادت و خوشبختی است ! در صورتیکه با « نیت پاک » تهداب گذاری گردد ، با عقل سلیم و قلب مملو از عشق و محبت به بقای آن کوشید و با « امانت داری، صبر، حوصله ، گذشت و فداکاری » به ضوابط آن احترام گذاشت و از آن حفاظت کرد .

- خداوند تعالی؛ انسان را فاعل مختار و اشرف المخلوقات آفریده و تصرف کائنات را به آن داد، بناً اگر انسان هر قدر از اختیار جائز خود کار بگیرد و هر قدر در معرفت کائنات افق ذهن خود را وسعت دهد به همان اندازه از منافع زندگی بهره مند میگردد.

- **خطاست:** که تنها از اجانب؛ امید مساعدت داشته و به خود حرکت ندهیم و به مردم خود اعتنای لازم نداشته باشیم.

- **خطاست:** اگر بگویم که کار وابسته به ماشین الات خارجی است! زیرا؛ ماشین الات خارجی را انسانها ساخته و ما هم انسانیم، میتوانیم اگر حرکت واقعی دستجمعی مردم بمیان آید از خود ماشین الاتی را بمیان آریم.

- **خطاست:** که تنها آموزیدن و استثنا اجانب را مایه امیدواری آخری قرار دهیم و به کله و مغز خود و استعداد های مردم خود متوجه نگردیم.

- **خطاست:** که بلند بردن سویه اقتصادی را تنها توسط معاونتهای خارجی تصور کنیم و به خود حرکت ندهیم.

- **خطاست:** که بگویم از زور باید کار گرفت! زیرا؛ کار های جبری به کارشکنی ها مواجه میگردد.

- **خطاست:** اینکه بعضی ها میگویند که آزادی بیان ما بیش از وقت است! بلکه واقعیت این بوده که هنوز هم آزادی واقعی برای مردم داخل قوانین اصلی و فرعی که به مفاد حقیقی مردم باشد درک ندارد و باید یک قرن قبل این کار عملی میگردد.

- **خطاست:** اگر بگویم که چه کنیم، خواست خدا ﷻ چنین است! زیرا؛ خدا ﷻ به بنده خود دست و پا و اعضا و وسایل و عقل و فکر و اختیار داده تا در حوضه اختیار فعالیت نماید. بلی؛ او دنیا را دارالاسباب و وسایل ساخته و مردم را به جد و جهد مکلف گردانیده است، بناً؛ باید هیچ مسلمان بنام اسلام از حقایق و واقعیت های اسلامی منحرف نشود.

- **خطاست:** که بگویم انتظار باید کشید و هنوز هم شرایط مساعد نیست! زیرا؛ شرایط را مردم مساعد می سازند نه انتظار! بناً؛ نظر به تحلیل دقیق چنین تلقین فرصتها را از دست داده تا اینکه مردم را با چنین بدبختیها مواجه گردانیده اند.

- دین هر عالم، هر شخصیت مذهبی، هر وطن پرست و هر انسان صادق آن است که تمام قدرت، استعداد و دانش خود را وقف مبارزه بخاطر آزادی ملی و اجتماعی، بخاطر صلح و امنیت بشریت نماید.

- دوام، بقا و ارتقا جهان به برکت مساعی خیر میباشد، و همه امید آبادی و شگوفانی در اندیشه و تطبیق مفکوره های خیر سراغ شده میتواند.

- دنیا زیبا است! اگر به زیبایی آن کوشید و از آن حظ برد.

- در وطن: هزار ها فشارها و تباهی موجود است! از گذشته باید عبرت گرفت و برای آینده اصلاحات جدی بمیان آورد. مگر؛ افسوس این است که هزارها وقایع و حوادث در این خطه پاک، موجب عبرت برای اولیای امور واقع نمیکردند و نه واقع اند.

— روزه حکم الهی بر بندگان مؤمن است ! بر علاوه اینکه در انسان « تهذیب و تزکیه نفس » را بمیان میآورد، بلکه « روح ، نیت و اراده » انسان را تقویت بخشیده ، باعث کسب « رحمت و مرحمت » درگاه رب العزت میگردد .

— رمز سعادت و نیکبختی دنیا و عقباً در کار عمل خیر مضمراست و از همین جهت است که قیامت و تباهی عمومی آن وقت به میان میآید که مفکوره و عمل خیر بکلی از بین برود .

— رمز سعادت و خوشبختی بشریت در « حسن خیر ، تعقل سالم ، تعاون و همزیستی مسالمت آمیز » است .

— زن و مرد از یک نفس واحد ، برای آرامش همدیگر آفریده شده اند ! نفس با رضایت کامل در « عقد نکاح » با هم پیوند میابد و آرامش زمینه « حسن تفاهم ، محبت ، تعقل و تدبیر نیک برای تشکیل خانواده سالم ، رستگاری و خیر و سعادت » را مساعد میسازد .

— زندگی شیرین است ! اگر با « عشق و محبت » آن را بناء کرد و با تعقل سالم از مزایای آن لذت برد .

— زندگی در صلح و آرامش ، زندگی در برادری و رفاه ، زندگی در برابری و همکاری و بالاخره زندگی در کنار همدیگر در یک جهان سعادت آور ، خواست اولی انسان است .

— زندگی تحفه حق تعالی ؛ بخاطر « سعادت و خوشبختی » بشریت است ؛ که آن را میتوان با « ریاضت و عبادت ، عشق و محبت ، اعتماد و باور ، صبر و حوصله و گذشت و فداکاری » بدست آورد و از مزایای آن مستفید شد .

— زندگی را باید یک حرکت دایم و مستمر تصور کرده و در این سلسله مجادله با همه ناملایمات ، وظیفه مقدس انسان است .

— شعار ما حسن تفاهم ، تعقل ، تدبیر نیک و منطقی و استدلال حقیقی صلح و آرامش است . ما این شعار را بعد از تحلیل و اندیشه زیاد و همه جانبه برای خیر و سعادت دایمی مردم افغانستان عزیز و خیر و سعادت دایمی مردمان منطقه و خیر و سعادت دایمی مردمان جهان برگزیده ایم .

— شکی نیست که در وقت ضرورت جایز است تا انسان با اندازه کفاف و رمق از ناجایز هم استفاده کند ! مگر ؛ اصحاب عزم و غزیمت نمیتوانند که از حدود تجاوز کنند .

— عشق و محبت ! جذبه ، الهام ، میل روح ، انوار و تجلی الهی ؛ بر دل پرهیزگاران و مومنان صادق است که بالوسیله آن میتوان به ثمره نعمات درگاه الهی نایل شد . پس هر آنکه از این نعمت حق تعالی بدور ماند ، غافل است ؛ و جفا کار !!!

— عبادت ؛ رکن اساسی مسلمانی است ! پس بر هر فرد مسلمان واجب است تا با خلوص نیت ، محبت و متکی بر ارشادات رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ، فقط رب العالمین را پرستش و عبادت ، خالصانه نماید .

- غرور و خود خواهی ، خاصه مستکبرین است ؛ با وجود اینکه بقا ندارد ، انسان را به تباهی میکشد .

- فیصله ماتناید فوری باشد باید ، خیلی دقیق باشیم که فیصله های ما به حق و حقایق متوسل گردد.

- صوفی آن کسی است تا با دل صاف در راه اصول زیربنای اسلام « توحید ، نبوت و معاد » زهد کند و با عشق حقیقی ؛ خاص برای رضای الهی عباد نماید ، تا تخم پر حاصل سلوک و تقوای آن به منفعت ، خیر و سعادت بشریت تمام گردد.

- صلح و آرامش با « حسن تفاهم ، تعقل و تدبیر نیک و منطقی و استدلال حقیقی » به میان می آید .

- صلح و برادری ، همکاری و همگامی ، تفاهم و آشتی ، مشورت و نیکو کاری که اساسات ضروری برای پیشرفت و آرامش انسان و غلبه او بر ظلم و بیعدالتی ، استبداد و بی مروتی است ، در دین مقدس اسلام اساس سجایای عالی انسان و مکارم اخلاقی او را تشکیل میدهد .

- ضرورت هر عصر و زمان ایجاب میکند که همه اقشار و انسان های آگاه در تدارک پیوند رشته های قطع شده و در به میان آوردن فرصت مساعد برای تحقق صلح و آرامش سعی و تلاش نمایند .

- ضرورت است : تا حکومت خیر خواه و زعیم ملی به قدرت برسد ! و آن رهبر ملی با کابینه متخصص هر شق ، آگاه و خیر اندیش ؛ زمینه و وسایل را مساعد آن سازد تا یکجا با فرزندان صالح و آگاه وطن ؛ اقدامات عملی خیر خواهانه ، ملی و بشری را بمنظور « جستجو ، دریافت ، درجه بندی ، تشخیص و معالجه » درد و امراض اجتماعی ، انجام دهند .

- طبیعت فردی عبارت از آن قوه اصلی است که از یک طرف فرد را به میان آورده و از طرف دیگر تا حد امکان او را حمایه مینماید .

- طبیعت عبارت از قوت بی شعوری است که در ایجاد و حفظ کائنات سهم بارزی دارد ، پس این قوت سبب عمده برای ایجاد و حفظ کائنات بوده که قدرت بزرگ ماورای طبیعت انرا بکار انداخته ، بناً این قوه باید سلیم نگاه شود و در راه بکار انداختن آن وظیفه اشخاص خبره است که از وسایل مفید کار گیرند .

- کلید همه مشکلات نزد مردم است و مردم با خود هرچه دارند ؛ بشرطیکه خود را بشناسند و از خود کار گیرند .

- ما خیر می خواهیم ، حتی خیر را برای خیر می خواهیم . من میگویم : ای تارک خیر ؛ تو مجنونی و یا مغرور ، ای طالب خیر ؛ به امید تا چیز تو مزدوری . ای آنکه تو خیر را برای خیر می خواهی تو طالب نور نه ، بلکه عین نوری .

- میگویند یک قدم در راه سیاست اگر به خطائی مواجه گردد ، جبران پذیری آن دشوار است ، چه خاصه اگر خطا ها به قدم های پی در پی سرایت کند و در آن قصد ، عمد و تعنت وجود داشته باشد .

- میگویند : در هر رشته حیاتی به فلسفه ضرورت است ، مگر در قوانین حیاتی برای فلسفه زیادتر ضرورت احساس میگردد ، باید بگویم علت اساسی نواقص اجتماعی و مدنی در ایجاد و وضع قوانین است که اکثر آنها توسط اشخاص وضع میشود و آنها از فلسفه واقفیت ندارند و نه می فهمند که تمایل طبیعی مقتضی کدام نوع قوانین است .

- ما باید ایمان و عقیده داشته باشیم که روز باز پرس حتماً آمدنی است و اوراق اعمال ما در دفتر تحقیقات قید بوده که ضرورت به سوال و جواب نخواهد شد .

- محبت « دوستی و نشاط قلب » است که زمینه و وسایل تفاهم و حظ و لذت را در وجود انسان پرورش میدهد و مانع رشد « کینه ، نفرت و کدورت » میگردد .

- منافع شخصی ناجایز را محل بحث و تحلیل نمیدانیم ! بخاطر اینکه تامین منافع شخصی ناجایز ، آخر به تباهی و خسران دائمی مواجه است .

- من یعقین دارم که عزم متین ، اراده خلل ناپذیر ، معقولیت ، جدیت و فعالیت دقیق ؛ میتواند همه مشکلات را جواب مثبت دهد .

- من میگویم ، اگر در عصر حاضر فرضاً بودا ، زرتشت و حضرات رسل و انبیاء عظام علیه السلام و رهبران صالح تاریخ زنده می بودند همه آنها از همه او لتر برای صلح و آرامش کار و خدمت میگردند .

- مریض باید علاج خود را تنها به تشخیص خود نکند ، بلکه به طبیب مجرب مراجعه نماید !

- ملتی که ارتباطات ملی در بین آنها ضعیف شده باشد ؛ امید ارتقا و سعادت ملی از آنها مشکل بوده و این ملت در چنین حالت تباہ کن به تجزیه و فناه مدعی مواجه است .

- من باور کامل دارم : در صورتیکه امراض اجتماعی به شکل « عالمانه ، منطقی » و توأم با صداقت و ایمانداری و به اساس لوایح و ظوابط از جانب متخصصین امور « تشخیص » گردد و بخاطر « معالجه » آن ، برای هر « درد و مرض » نسخه و ادویه مشخص داده شود ، در آن صورت امکان آن موجود است تا در وقت کم این امراض تداوی و باعث سعادت و نیکبختی خواهد شد .

و اگر این امراض دقیق تشخیص نگردد و در معالجه آن بهانه ها و مشکلات قلمداد شود ، در آن صورت به امراض مزمن و خطرناک تبدیل شده ؛ با وجود اینکه به همه سرایت میکند ، باعث تباہی و هلاکت خواهد شد !!!

من باور دارم : که اگر تشخیص درست و وسایل معالجه تهیه و فرصت مساعد گردد ، معالجه اساسی حتماً بمیان آمده میتواند .

مگر ؛ فن اساسی معالجه در نزد من همان است تا زمینه تبادل افکار را فهمید ؛ و وجوه مشترک مساعی را پیدا کرد ! البته با این هم ؛ فیصله انجام خدمات اجتماعی ، بدست رجال دانشمند و اولاد صالح وطن خواهد بود ...

- وظیفه رجال صالح است که یک دقیقه و ثانیه هم فرصت را از دست ندهند بلکه هر چه سریعتر زمینه و وسایل حسن تفاهم را بکار انداخته و در راه صلح و آرامش کار و خدمت خویش را تشدید بخشند .

- هدف من از آزادی بیان آن است تا « حلال را بالای انسان ، حرام و حرام را بالای انسان ، حلال » نه ساخته ، بلکه هر اقدام با سنجش منطقی و در حوضه اختیار؛ بر مبنای قوانین اصلی و فرعی ، سنن وطنی و به خیر و سعادت بشریت ، استوار باشد .

- یکی از روش های اساسی در تربیت اطفال آن است ؛ تا والدین با « محبت ، صمیمیت و دوستی » اطفال خویش را به گوش کردن ، عادت دهند و بعداً آنها را « تربیت ، تعلیم ، رهنمائی و کمک » دوامدار نمایند . اگر این روش و شیوه والدین ، در تربیت اطفال شان توأم با « دلسوزی ، اعتماد و حوصله مندی » باشد ، در آن صورت نتایج و سطح مسوولیت فعالیت و علاقمندی اطفال در برابر « والدین ، خانواده و جامعه » موثر است .

مولانا محمد سعید « سعید افغانی »

ترتیب کوونکی : برهان الدین « سعیدی »

[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org) - بارگشت به صفحه اصلی